

گفتمان



کتابخانه: تازه‌های کتاب داخلی

هستی در فقدان

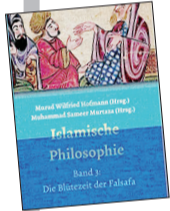


هستی در فقدان متن گفت‌وگویی گروهی از پژوهشگران سوئدی با ژان لوک نانسی فیلسوف برجسته فرانسوی است. موضوعات متنوعی که در این کتاب مطرح می‌شوند از اصلی‌ترین دغدغه‌های همیشگی این فیلسوف پرکار بوده‌اند. موضوعاتی مانند اجتماع و باهم بودگی، در اشتراک بودن بدون مشترک بودن، برادری بدون پدر، ادبیات و قربانی‌گری، اندیشیدن فراسوی سوسیوتکتیو، آزادی بدون رهایی، بینابینیت، زمان به مثابه دلیل با مبنا، ژان لوک نانسی فیلسوف فرانسوی پیش از بیست جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است و نگارش صدها متن و یادداشت در کتب و نشریات مختلف را در کارنامه خود دارد. حوزه فلسفی او بسیار گسترده است: از آن کاوازا هنرمند ژاپنی گرفته تا هایدگر؛ از معنای جهان و واسازی مسیحیت تا رمانتیسم نیای برادران شگل.

از جمله فیلسوفان اصلی که نانسی به شدت از آن‌ها تاثیر گرفته می‌توان به ژاک دریدا، مارتین هایدگر و ژرژ باتای اشاره کرد. این کتاب با ترجمه نریمان جهانزاد و از سوی نشر دیبایه با قیمت ۲۴۰۰ تومان در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

کتابخانه: تازه‌های کتاب خارجی

فلسفه اسلامی در آلمان



به تازگی کتاب فلسفه اسلامی به همت گروهی از نویسندگان و پژوهشگران فلسفه به زبان آلمانی و در این کشور روانه بازار نشر شده است. این کتاب به زبان آلمانی و در ۲۸۶ صفحه منتشر شده است. فلسفه اسلامی که توسط فارابی پایه‌گذاری شد، در واقع آمیزه‌ای از حکمت ارسطویی و نوافلاطونی به رنگ اسلامی بود و پس از مدتی در کشورهای اسلامی به شکوفایی رسید. در واقع می‌توان گفت فلسفه اسلامی، علمی است که مسالک کلی هستی، معرفت، نفس، خدا و دین را بررسی می‌کند. در فلسفه اسلامی، سه مکتب مهم وجود داشته است که عبارتند از: مکتب مشاء، مکتب اشراق و حکمت تمعالیه. در کتاب «فلسفه اسلامی» محققان و نویسندگان مختلف، دیدگاه‌های متفاوت و افکار فیلسوفانی را که در دوران شکوفایی فلسفه اسلامی فعالیت داشته‌اند، معرفی می‌کنند. علاوه بر این نویسندگان به خوانندگان کتاب کمک می‌کنند تا با شناخت جنبه‌های مختلف فلسفه اسلامی، درک بهتری از آن پیدا کنند. در این کتاب دیدگاه‌های ابرویحانی بیرونی، ابن‌سینا، ابن‌هیثم، عمر خیام و... مورد بررسی قرار گرفته است.

Islamic Philosophy / Ecevit Polat and Murad Wilfried Hofmann / (German) Paperback – February 21, 2019

دک: تازه‌های مجلات

فصلنامه ترجمان



یازدهمین شماره فصلنامه ترجمان ویژه تابستان ۱۳۹۸ به تازگی منتشر شده است. این شماره از فصلنامه با عنوان از «گیلگمش تا لیدی گاگا» جستارهایی درباره فرهنگ سلبریتی و گرافیکی از بازیگران هالیوود عمده تمرکز خود را بر فرهنگ سلبریتی‌پروری متمرکز کرده است و در این‌باره می‌خوانیم: «بی‌تردید یکی از پدیده‌های پیچیده‌ای که در زندگی ما حضور دارد جامعه سلبریتی‌هاست که روزبه‌روز حضوری فعال‌تر در میان ما پیدا می‌کند. به همین دلیل فارغ از حواشی مرسوم درباره این پدیده، در پرونده این شماره، مجموعه جستارهایی درباره فرهنگ سلبریتی منتشر کرده‌ام.» «چت‌های بیپهوه به روایت زبان‌شناسان»، «آیا رسوا کردن آدم‌ها در فضای مجازی راه درستی برای مبارزه اخلاقی است؟»، «رفتار زنان و مردان در شبکه‌های اجتماعی تفاوت‌های معناداری با یکدیگر دارد»، «وقتی به جاسی تجربه کردن زندگی از آن عکس می‌گیریم چه چیزی را از دست می‌دهیم»، «آیا سلبریتی شدن نویسندگان ادبی را از اعتبار می‌اندازد؟» از جمله نوشته‌های این شماره ترجمان هستند. یازدهمین شماره ترجمان در ۳۶۰ صفحه و قیمت ۳۵ هزار تومان در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

خسرو ناقد در کتاب تازه‌اش از چه سخن می‌گوید؟

در نقد روشنگری و دفاع از روشنگری



مکس هورکهایمر و حضور آدورنو

روشنگری عقیم مانده است می‌گوید: این پرسش با در نظر داشتن شرایط بحرانی جهانی که ما امروز در آن به سر می‌بریم، دارای اهمیت و موضوعیت بسیار است. آیا باید نگران سنت روشنگری و دستاوردهای آن، یعنی پزیرش نظام‌های ارزشی مبنی بر حقوق بشر، آزادی و عدالت اجتماعی بود؟ در حقیقت، سه اصل بنیادی و اساسی ماهیت روشنگری را روشن می‌کنند: روشنگری در ساحت عقلانی به استدلال عقل و نقد خریدنر متکی است و استناد و اقتدا به مرجعیت در آن محلی از اعراب ندارد.

در ساحت اخلاقی و عملی نیز روشنگری به اندیشه اساسی آزادی افراد انسان و اصل کرامت انسانی متکی است. در زمینه سیاسی هم خواستار آزادی، حقوق برابر و حکومت قانون است. آیا این ارزش‌های همگانی و جهانی‌شومول در معرض تهدید استیلاي نگرش‌های دیگری قرار دارند؟ ناقد می‌گوید که یکی از خطراتی که این ارزش‌ها را تهدید می‌کند، پافشاری تعصب‌آمیز بر هویت ملی و مذهبی است که گاه در ناسیونالیسم افراطی، گاه در پوپولیسم و گرایش‌های بنیادگرایانه و حتی در مواردی در تروزیسم خود را نشان می‌دهد. ما در حالی شاهد گسترش این نگرش‌ها در جهانیم که می‌دانیم اندیشه و کنش انسان‌ها را مجموعه‌ای از هویت‌های گوناگون و گاه کاملاً متفاوت شکل می‌دهد که «هویت ملی و قومی»، «هویت فرهنگی» یا «هویت دینی» فقط بخشی از آن را تشکیل می‌دهد.

نویسنده تأکید می‌کند که «تک‌هویی» انگاشتن افراد و صرفاً پافشاری بیش از اندازه بر یکی از جنبه‌های هویتی، دامی است که ما را به سوی خشونت‌گرایی سوق می‌دهد. نگرش دوست-دشمن و نگاه دو قطبی به جهان، یکی دیگر از تهدیدهای جدید در این زمینه است. این نگرش نیز در واقع ریشه در توهم تک‌هویتی دارد که همواره با نگاهی بدبینانه به «دیگری» همراه است و این که همیشه «دشمنی» و «دسیسه‌های» و «توطئه‌های» در کار است که می‌خواهد «فرهنگ و هویت منحصر بفرد» ما را نابود کند. سوسمین تهدید، افزایش فضای خصومت‌آمیز نسبت به پیشرفت‌های تکنولوژیک است که در برخی محافل روشنفکری دیده می‌شود و در عصر کنونی اغلب برخاسته از نظریه‌های کسانی چون مارتین هایدگر و پیروان اوست. نگرش بدبینانه به پیشرفت‌های تکنولوژیک که گاه تا باورهای آخر زمانی پیش می‌رود، در تضعیف ارزش‌های روشنگری بی‌تأثیر نبوده است.

البته تنها وجود این دیدگاه‌ها دلیلی موجه برای نگرانی از آینده روشنگری نیست. خسرو ناقد معتقد است که ظهور محافظه‌کاری فرهنگی که نگرشی تجدیدنظرطلبانه به اثرات و آثار دوران روشنگری دارد و در عین حال، آگاهانه در بی‌تصاحب‌سنت‌های روشنگری است، در این فرآیند نقشی



تعیین‌کننده داشته است. محافظه‌کاری فرهنگی به ناکاه با پیدایش جریان‌های شیک و باپ‌روزیست‌مدرنیسم، یعنی جریان‌های که وداع با دوران مسدودن را مدرن‌ترین کالایی می‌داند که در حال حاضر در بازار یافت می‌شود، نیروی تازه‌ای گرفت و دیدگاه‌های بست‌مدرنیست‌ها را تأیید می‌روا ضاع خود دید. با این همه، نویسنده تأکید می‌کند که مسئله روشنگری در قرن بیست‌ویکم رانمی‌توان تاریخ‌نگرانه یا بالگوی فلسفه تاریخ پاسخ داد، بلکه تنها با توجه به پیشینه مفهوم ساختاری روشنگری می‌توان به آن پرداخت که آن هم به نوبه خود به گونه‌ای دقیق و شفاف و با کمک نظریه‌های فرهنگی-اجتماعی قابل بررسی و توضیح است. فلسفه برای این کار چیزی در اختیار ندارد، امامی‌تواند روشنگری را به عنوان یکی از تکالیف خود در نظر بگیرد و، هر بار از نو، همراه با دگرگونی‌های اجتماعی و پیدایش شرایط جدید، آمادگی داشته باشد تا از خود واکنش مناسب نشان دهد و با پیش نهادن ایده‌هایی تازه و کارآمد به فهم شرایط جدید و رفع مشکلات کمک کند. برای مثال زمانی که روشنگری به لحاظ فرهنگی به دست فراموشی سپرده می‌شود یا ایدئولوژی‌های مسلکی و مذهبی، سده راه روشنگری می‌شوند و آن را واپس می‌رانند، یا با پیدایی خام‌اندیشی، بی‌تجربگی و «نابالغی»‌های تازه‌ای، ارزش‌های روشنگری به مخاطره می‌افتند، فلسفه، و در درجه اول فلسفه سیاسی، می‌تواند یاری‌رسان باشد.

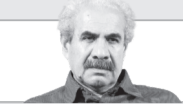
خسرو ناقد سپس برداشت خود از روشنگری و آینده آن را چنین بیان می‌کند: روشنگری تقدیر گریزناپذیر بسیاری از فرهنگ‌ها بوده است و بسیاری در مدانی که برای گذار از این تجربه هزینه‌های دردناکی پرداخته‌اند. نظام‌ها و دولت‌ها و حاکمانی که در مقابل این مسیر می‌ایستند، ناگزیر به سرکوب و کارژد خشونت متوسل می‌شوند؛ و شاید سقراط را با روشنگری‌هایش در روف‌های آگورای آن نهنه‌نیای ایمانی، بلکه هم‌زمان نخستین شهید روشنگری بتوان به‌شمار آورد. دست‌یازین به سرکوب و توسل به خشونت با هدف ممانعت از روشنگری، با آن‌که در طول قرن‌ها قربانیان بی‌شماری گرفته، اما برای سرکوب‌گران و خشونت‌گرایان نتیجه‌ای دلخواه در پی نداشته است. دلیل آن هم در این واقعیت نهفته است که آنان هدف‌های نادرستی را نشانه گرفته بودند؛ چرا که در حقیقت «گذار از نابالغی» یا «بلوغ‌یافتگان» آغاز نمی‌شود و روشنگری نیز با کوشش‌های «روشنی‌یافتگان» به نمر نمی‌رسد که سرکوب‌گران می‌پندارند با آن میان برداشتن «بلوغ‌یافتگان» و «روشنی‌یافتگان» می‌توان این فرآیند را به شکست کشاند.

یکی از بخش‌های جالب این کتاب پیوستی است که خسرو ناقد در آن به بررسی و نقد ترجمه فارسی کتاب دیالکتیک روشنگری پرداخته و نکته به نکته شماری از خطاهای فاحش و سهل‌انگاری‌ها و ناروشنی‌های مترجمان را ائتکار کرده و کوشیده است میزان خطاها و حدود بی‌دقتی مترجمان را نشان دهد تا خواننده خود از این طریق به کیفیت ترجمه فارسی این کتاب و قابلیت اعتماد به آن پی ببرد. مترجمان کتاب دیالکتیک روشنگری، مراد فرهادپور و امید مهرگان، مدعی شده‌اند که کتاب را بر اساس متن آلمانی و ترجمه انگلیسی، بیشتر به آن دسته از خطاهای رایج‌افته به ترجمه فارسی کتاب پرداخته است که موجب انتقال نادرست متن و بدفهمی منظور نویسندگان شده است. افزون بر این، نمونه‌هایی را هم به دست داده است که مترجمان در یافتن برابر‌نهادهایی برای اصطلاحات آلمانی یا انگلیسی، سهل‌انگاری کرده و دقت کافی از خود نشان نداده‌اند و از این طریق فهم مطلب را دشوار یا از اساس غیر قابل فهم کرده‌اند. *همه نقل قول‌ها از کتاب: سنجش دیالکتیک روشنگری. خسرو ناقد. نشر نری ۱۳۹۸.

باشگاه روشنفکران

انسان به انتهای تکامل خود رسیده است؟

در باب انسان: مروری بر کتاب ترجمه نشده «پیتربار» بخش نهم



موسی اکرمی استاد فلسفه علم دانشگاه علوم و تحقیقات

پس از بحث‌های پیشین کتاب انسان با پسگفتاری پایان می‌یابد که با نام «آینده گونه انسان» نگاهی به آینده جهان انسانی دارد. با نزدیک شدن به سال ۱۰۰۰ میلادی اخباری حاکی از اینکه جهان رو به پایان است در سراسر اروپا پخش شده غیب‌گویان نشانه‌های رازناکی دیدند که گورها کشوده خواهند شد و مردگان از آنها بیرون خواهند آمد. ساحران کوشیدند تا با فنون جادویی و شیطانی برآینده تاثیر بگذارند. شواهد نابودی قریب‌الوقوع اروپا در حمله‌های بیابلی اسکندیناوی‌ها و اعراب تجلی یافت. به اعتقاد بسیاری از مردمان اگر هم از اروپاییان جان سالم به در می‌بردند نحوه زندگی آنان برای همیشه نابود می‌شد. اما هرگز چنین نشد. «اعراب» واسطه انتقال علم و تمدن یونان باستان به جهان غرب شدند و اسکندیناوی‌ها به دین مسیحی درآمدند و خدمات بسیار. به‌ویژه در معماری، انجام دادند و حکمرانانشان به شعر و موسیقی توجهی خاص داشتند.

درحالی که انسان‌ها در چندین صد سال پیش آینده را همچون گذشته قطعی و شناختنی می‌دانستند، دانشمندان امروزی ناشناخته‌های مربوط به گذشته و خاستگاه انسان را تا حد زیادی کشف کرده‌اند اما از آینده شناخت اندکی دارند. بسیاری از انسان‌ها دچار نگرانی مبهمی درباره ذوب احتمالی کوه‌های یخ یا سرد شدن خورشیدند اما مسائل انسان مبرمزتر از این احتمال‌ها هستند که بعضی از آنها باید پس از سال ۲۰۰۰ میلادی حل شوند. تعدادی از انسان‌ها با ناامیدی اظهار می‌دارند که ما قربانی موفقیت تکاملی خویش خواهیم شد. برای کسانی که نگران آینده‌اند پرسش اساسی بیشتر نه این پرسش که «آینده گونه ما چیست» بلکه این پرسش است که «آیا گونه ما آینده‌ای دارد؟»

اما انسان باید از قیدهای محیط بگریزد و تکامل اجتماعی- فرهنگی را جانشین تکامل اندامی کند. بسیار بعید است که انسان چنان بی‌فکر باشد که نابودی خود را فراهم سازد. مسلم آن است که ۱- محیط جهانی برای بقای انسان بیش از اندازه آلوده می‌شود؛ ۲- خطر جنگ هسته‌ای وجود دارد؛ ۳- شیخ قطعی بر فراز سر جمعیتی رشد یابنده در پرواز است. انسان به صرف زندگی کردن در محیطی خاص آن را تغییر می‌دهد.

مسائل بوم‌شناختی ویژه‌ای وجود دارد که هرگونه برنامه‌ریزی باید با توجه به آنها و مقتضیات آنها صورت گیرد تا آثار و تبعات جانبی زیانباری-اعم از نابودی محیط زیست، نابودی موجوداتی که در آن محیط زندگی می‌کنند- پدید نیاید. لازم‌ه روزگار نوبن کنونی برنامه‌ریزی است. پیامدهای اجتماعی و زیستی هرگونه فنّ جدید را باید پیشاپیش بررسی کرد.

جنگ هسته‌ای، بسیاری از گیاهان و جانوران را نابود خواهد کرد و روی کسانی که جان به درمی‌برند آثار زیانباری خواهد داشت چنان که، مثلاً، بر اثر باران ذرات و پرتوهای حاصل از پرتوایی جهش‌هایی در تخم‌کها و اسپرم‌ها پدید خواهد آمد و فرزندان غیرطبیعی متولد خواهند شد. همچنین به‌رغم بر جای ماندن گونه «انسان اندیشه‌ورز» ساختن جوامعی همانند جوامع پیشین دشوار خواهد بود زیرا جوامع موجود برآیند مبارزه‌های تغییر کوچک زیستی، روانی، سیاسی، اقتصادی، و فنی است و شرایط طبیعی پس از جنگ نیز، از نظر امکانات زمین، دیگر شرایط پیشین نیست. دسترسی به منابع زیرزمینی دشواری می‌شود و منابع رو زمینی کاهش می‌یابند. قابلیت زیست محیط رو به نابودی است و تغذیه تعداد رو به افزایش جمعیت دشوار می‌گردد. مدرن‌شدگی توانسته است مشکل را با تعداد کمتر بچه‌ها حل کند. هزینه کنونی- سال ۱۹۷۸ میلادی- بزرگ کردن یک فرزند متعلق به طبقه متوسط جامعه، از زمان بارداری تا زمان فراغت از تحصیل فرزند، حدود ۲۰۰ هزار دلار است. از این رو انسان مدرن همانند انسان عصر شکار ناگزیر است بررسی کند که آیا دارا بودن فرزند به هزینه‌اش می‌ارزد؟ و این کاهش آهنگ رشد جمعیت در جوامع مدرن را در پی خواهد داشت

با آنکه آلودگی‌زیادی محیط، جلوگیری از جنگ هسته‌ای، و تغذیه جمعیت روبه افزایش جهان مبرم‌ترین موضوعاتی هستند که انسان با آنها روبه‌رو است، مسائلی نوعاً متفاوت درباره آینده زیستی گونه انسان وجود دارد؛ آیا تکامل را متوقف کرده‌ایم؟ آیا به نهایت شاخه تکاملی خویش رسیده‌ایم؟